

جنگ‌های تأثیر محور آینده و ضرورت نوآوری در فرآیندهای اطلاعاتی - امنیتی جامعه اطلاعاتی

قاسم فولادی^۱
علیرضا صابرفرد^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۲/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۳/۲۱

چکیده

آمریکا مدعی شد عملیات آزادسازی کویت (۱۹۹۱) و حمله دوم به عراق (۲۰۰۳) با رویکرد تأثیرمحوری مبتنی بر قدرت سخت (نظامی) انجام پذیرفته است و اما از آن زمان به بعد آمریکا خود را با محیط پیچیده‌ای مواجه دید که در آن « مردم، فرهنگ و اعتقادات » نقش آفرینان کلیدی بودند؛ لذا آمریکا ناگزیر است برای خود، بین مردم مشروعیت لازم را کسب کرده و محیط امن و با ثباتی را به شکل دلخواه ایجاد نماید.

در ادبیات نوین نظامی رصد، تحلیل و برآورد تهدیدات محیطی، ماهیتی جدید یافته و علاوه بر حوزه‌های نظامی - دفاعی صرف، جنبه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را نیز در بر می‌گیرد. این وظیفه خطیر در تقسیم‌بندی جدید وظایف عملیاتی، بر عهده سرویس‌های اطلاعاتی است.

این تحقیق به دنبال بررسی تغییر و تحول ماهیت جنگ‌های آینده بر اساس " رویکرد تأثیرمحوری "، استخراج تهدیدات آینده حوزه علیه ج.ا.ا، نقش سازمان‌های اطلاعاتی در مقابله با این تهدیدات و قابلیت‌های نوینی که می‌بایست در این سازمان‌ها ایجاد گردد (نوآوری)، می‌باشد.

بر این اساس، در ابتدا به روش اکتشافی به مطالعه و تحلیل محتوای اسناد ارتش و راهبردهای امنیت ملی آمریکا پرداخته و تهدیدات متصور استخراج و در ادامه بر اساس نظر خبرگان، راهکارهای مقابله‌ای و ظرفیت‌هایی که می‌بایست در سازمان اطلاعاتی ج.ا.ا ایجاد گردد، تدوین شده است.

کلید واژه‌ها: جنگ‌های آینده، مفاهیم عملیات مشترک، سازمان‌های اطلاعاتی، جنگ تأثیر محور

۱- رئیس گروه پژوهشی آینده‌نگاری علوم و فناوری‌های دفاعی پژوهشکده امنیت و دفاع

۲- عضو گروه پژوهشی آینده‌نگاری علوم و فناوری‌های دفاعی پژوهشکده امنیت و دفاع

۱ - مقدمه

تغییرات اساسی در محیط راهبردی جهانی، جهانی‌سازی، ظهور عصر اطلاعات، گسترش سریع فناوری، و به موازات آن، تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، جوامع را به طور کلی تحت تاثیر قرار داده، و موجب ظهور طیف وسیعی از انگاره‌های نوین و درحال ظهور نظامی و دفاعی، یا به بیان دیگر، انقلاب در امور نظامی نموده است. «عملیات تأثیرمحور» یکی از این انگاره‌های نوین از «جنگ» است که هرچند بنا بر گفته‌ی صاحب‌نظران «تفکر» جدیدی نیست، اما پیشرفت و توسعه‌ی فناوری‌ها موجب شده است تا قابلیت پیاده‌سازی را داشته باشد. تغییرات اساسی ایجادشده در این انگاره به‌گونه‌ای عمیق است که بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان امور نظامی «رویکرد تأثیرمحور» را به‌عنوان انگاره‌ای درحال ظهور و آینده‌ای از جنگ در نظر گرفته‌اند که رو به رشد و تکامل بوده و پیشرفت فزاینده فناوری این انگاره را به مرحله بلوغ خود نزدیک‌تر می‌شود.

«رویکرد تأثیرمحور» صحنه‌ی نبرد را از شکل سنتی‌اش که در آن دو نیروی نظامی با هم رو در رو می‌شوند به یک صحنه‌ی بسیار گسترده تبدیل کرده است که در آن تصمیم، تشخیص، درک دشمن، خودی‌ها و بی‌طرف‌ها نیز مورد هدف قرار می‌گیرد، «تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی» به میدان آورده می‌شود و مردم در آن نقش بسیار کلیدی ایفا می‌کنند؛ مرز میان جنگ و صلح رنگ می‌بازد و دیگر تمایزی میان «غیرنظامی» و «نظامی» وجود نخواهد داشت (Gould, 2005: 45).

جنگ‌های سنتی و مرسوم بر نیروی انسانی انبوه، قدرت آتش انبوه، و در نهایت بر مانور متمرکز بودند. وجه اشتراک آن جنگ‌ها این حقیقت بود که تلاش می‌شد دشمن از طریق، صرفاً نظامی شکست داده شود (همان). در سال ۱۹۹۱ (در جریان عملیات آزادسازی کویت) ارتش آمریکا مدعی شد که از رویکرد عملیات تأثیرمحور استفاده کرده است. تفاوت این رویکرد عملیات با رویکردهای مرسوم در نوع طرح‌ریزی عملیات (طرح‌ریزی بر اساس تأثیرات)، نوع حملات (حملات موازی به‌جای متوالی)، و نوع آماجی که می‌بایست مورد هدف قرار گیرند (هدف‌یابی موثر) بود (Jobbagy, 2003: 78). آمریکا در سه جنگ بعدی، یعنی جنگ کوزوو (۱۹۹۹)، جنگ افغانستان (۲۰۰۱) و جنگ دوم عراق (۲۰۰۳) نیز تلاش کرد با استفاده از فناوری‌های پیشرفته، به خصوص سلاح‌های هوشمند و دقیق، از این رویکرد در عملیات نظامی خود استفاده نماید (فولادی، ۵: ۱۳۹۰). به نظر می‌رسید آمریکا تا حد زیادی موفق شده بود تفکر تأثیرمحوری را اعمال نماید؛ اما حوادث پس از اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ نشان داد که تنها با اتکا به قدرت نظامی نمی‌توان به اهداف راهبردی رسید (فولادی، ۵: ۱۳۹۰)؛ لذا در تحولی که رخ داد، رویکرد تأثیرمحور، نحوه‌ی بکارگیری

قدرت نظامی را تغییر داده و همزمان دیگر ابزار قدرت ملی و بین‌المللی را به صحنه آورده است؛ به همین دلیل به نظر می‌رسد که شکل جنگ‌ها در حال تغییر است.

تردیدی نیست که با توجه به جایگاه و نقش ج.ا. ایران در منطقه و جهان، و در کانون توجه قرارگرفتن این جایگاه توسط آمریکا و شرکایش، ایران از این رویکرد بی‌تأثیر نبوده و شاید یکی از بهترین مواردی است که آمریکا بر تجربه‌کردن این رویکرد بر روی آن پافشاری می‌کند. به‌همین دلیل، جا دارد با کنکاش در این رویکرد، تصویری از شکل جنگ‌های حال و آینده ترسیم شده تا بتوان محیط پیش رو را بهتر و عمیق‌تر درک کرد. سازمان‌های اطلاعاتی که نقش رصد و تصمیم‌سازی را در حاکمیت بر عهده دارند، می‌بایست با توجه به تغییر معادلات تهدیدات، نوآوری‌هایی را در سطح رویکرد و فرآیندهای اجرایی رقم زده و قابلیت‌های نوینی را ایجاد کنند.

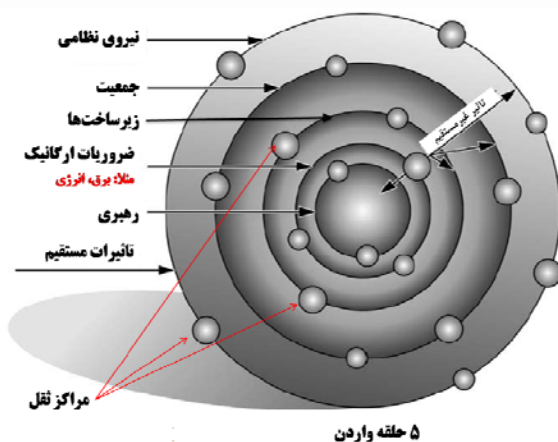
در خصوص موضوع پژوهش نیز ضروریست، سازمان‌های اطلاعاتی ج.ا.ا. به عنوان اولین سنگر آفندی و پدافندی نظام در مقابله با تهدیدات خارجی، سیاست‌های نوینی را اتخاذ نمایند.

۲- سؤالات پژوهش

پرسش اصلی تحقیق این است که رویکرد تاثیرمحور، شکل جنگ‌ها را در آینده چگونه تغییر خواهد داد؟ در رویکرد نوین تاثیر محوری، چه تهدیداتی علیه ج.ا.ا. متصور است؟ جامعه اطلاعاتی ج.ا.ا. می‌بایست چه قابلیت‌ها و رویکردهای نوینی (نوآوری) را در سازمان‌های خود ایجاد کند؟

۳- چارچوب نظری تحقیق

سرهنگ واردن^۱ طی جنگ اول خلیج فارس (آزادسازی کویت) نظریه‌ای را تحت عنوان «دشمن به عنوان یک سامانه» ارائه داد که پایه و اساس عملیات تاثیرمحور امروزی شد. (Graves, ۲۰۰۶: ۱۱۲)



شکل ۱- حلقه واردن

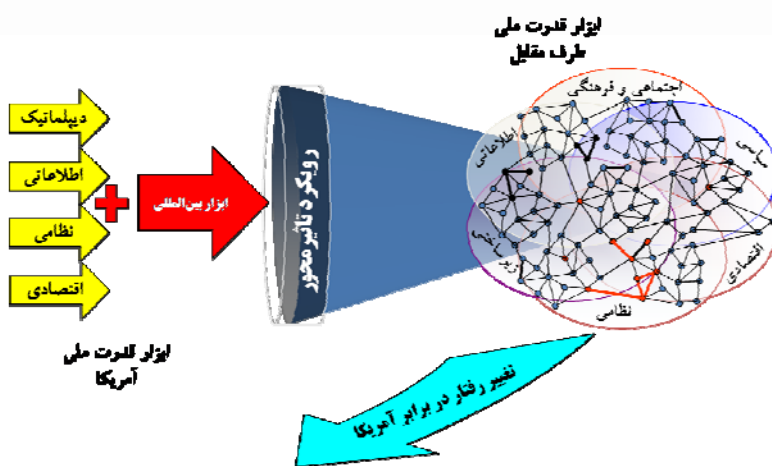
او معتقد بود جهان واقعی را می‌توان با یک تقریب خوب به صورت یک مدل پنج حلقه‌ای، به ترتیب از بزرگ به کوچک، شامل «سازوکار جنگی»، «جمعیت»، «زیرساخت‌ها»، «ارکان حیاتی»، و «رهبری» در نظر گرفت. داخل هر حلقه، سامانه‌های حیاتی وابسته به هم یا مراکز ثقل، وجود دارند که اگر هدف قرار گیرند بر دیگر مراکز ثقل و در نهایت بر کل اثراتی خواهند گذاشت (نگرش نظام‌مند). با در اختیار داشتن فناوری‌های پیشرفته، تقریباً می‌توان به‌طور همزمان به این مراکز ثقل، یورش برد (حملات موازی) (Warden, ۲۰۰۰:۳۳). در این حالت، عملیات به‌جای تمرکز بر اهداف یا تخریب فیزیکی، بر ایجاد اثرات مطلوب متمرکز می‌شود (هدف یابی موثر) (Batschelet, ۲۰۰۲:۱۳۵). از نظر او، پیروزی همواره از آن طرفی خواهد بود که بتواند به شیوه‌ای خلاقانه‌تر اندیشیده و سپس بر اساس آن به سرعت عمل کند. از نظر او، هدف «ذهن رهبری دشمن» است و بایستی فرآیند تصمیم‌گیری او را مختل کرد (Jobbagy, ۲۰۰۳:۲۴). نتیجه‌ی این نظریه، ظهور عملیات و رویکرد تأثیرمحور بود (Graves, ۲۰۰۶:۵۱). این نظریه توسط فرماندهی نیروی مشترک آمریکا توسعه یافت و بر خلاف مراکز ثقل واردن، علاوه بر محیط عملیاتی، ساختارهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ایدئولوژیکی، و دیگر ساختارهای توانمندساز را نیز در بر گرفت (USJFCOM, ۲۰۰۵:۳۷). در این نگاه جدید که یک دیدگاه کل‌نگر است، دشمن به‌عنوان یک سامانه پیچیده، مرکب از ساختارهای به‌هم وابسته‌ی سیاسی^۱، نظامی^۲، اقتصادی^۳، اجتماعی^۱، اطلاعاتی^۲، زیرساختی^۳

۱. Politic
 ۲. Military
 ۳. Economic

(PMESII) (نگاه سامانه شبکه‌ای پیچیده‌ی انطباق‌پذیر) و خودی‌ها به عنوان مجموعه‌ای از بازیگران دیپلماتیک^۴، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی (DIME) (کنش و همکاری بین تمام سطوح و بازیگران) در نظر گرفته می‌شوند (همان). درک این سامانه‌ها، کنش آن‌ها، و تغییر در روابط بین آن‌ها اولین قدم در رسیدن به تأثیرات مطلوب و دستیابی به اهداف راهبردی است. رویکرد تأثیرمحور امکان طرح‌ریزی هم‌افزا و اقدام هم‌زمان DIME را به منظور ایجاد تأثیرات مطلوب علیه سامانه پیچیده‌ی PMESII داخل محیط عملیاتی فراهم می‌سازد (به کارگیری تمام ابزار قدرت) (همان). دونالد رامسفلد وزیر دفاع سابق آمریکا (۲۰۰۳) در این باره می‌گوید: توانایی متمرکز کردن ابزار قدرت ملی؛ نظیر فشارهای دیپلماسی، اقدام قانونی، تحریم اقتصادی و تضمین اجرای قانون به منظور اثرگذاری بر تفکر دشمن، برای امنیت و موفقیت آینده‌ی آمریکا حیاتی است. این رویکرد به آمریکا اجازه خواهد داد به جای آن که رویکرد واکنشی و انفعالی داشته باشد، محیط عملیاتی و محیط امنیتی جهانی را مطابق میل خود شکل دهد (Henningsen, ۲۰۰۲:۱۷).

اصل محوری عملیات تأثیرمحور، شکل‌دادن کنش بازیگران در محیط امنیتی به منظور ایجاد رفتار مطلوب در فرد یا افراد است (Smith, ۲۰۰۲:۱۹). به همین دلیل، می‌توان عملیات تأثیرمحور را به عنوان مجموعه‌ای هماهنگ از اقدامات به منظور شکل‌دادن رفتار دوستان، دشمنان و بی‌طرفان در زمان صلح، بحران و جنگ در محیط پیچیده تعریف کرد (Smith, ۲۰۰۲:۲۳). با توجه به اصول و ویژگی‌های بالا، می‌توان مدل مفهومی زیر را ارائه داد:

۱. Social
۲. Information
۳. Infrastructure
۴. Diplomatic



شکل ۲- مدل مفهومی رویکرد تأثیرمحور

در این مدل، آمریکا و نیروهای ائتلاف با تمام ابزار قدرت ملی و بین‌المللی بر تمام ابزار قدرت ملی طرف مقابل به طور همزمان یورش برده و اهداف حیاتی آن‌را هدف قرار می‌دهند و تأثیرات مطلوب خود را بر آن‌ها می‌گذارند. این کار، موجب ناپایداری کل نظام طرف مقابل شده به گونه‌ای که بنا به اجبار، تغییر رفتار مورد نظر آمریکا را در خود ایجاد نماید. از مطالب فوق می‌توان به چند اصل و ویژگی مهم رویکرد تأثیرمحور به شرح زیر اشاره کرد:

جدول ۱- ویژگی‌های رویکرد تأثیرمحور

ردیف	ویژگی‌های رویکرد تأثیرمحور
۱	شکل‌دادن به محیط از طریق ایجاد یک سلسله تأثیرات مطلوب در محیط
۲	ایجاد رفتار مورد انتظار آمریکا در طرف مقابل
۳	به کارگیری همزمان تمام ابزار قدرت ملی و بین‌المللی علیه تمام ابزار قدرت طرف مقابل
۴	دشمن را باید به عنوان یک سامانه پیچیده‌ی انطباق‌پذیر در نظر گرفتن
۵	به کارگیری عملیات تأثیرمحور در زمان صلح، بحران و جنگ
۶	فقط به عملیات نظامی محدود نمی‌شود و کل محیط امنیتی جهانی را در بر می‌گیرد
۷	تمرکز بر تخریب (نه صرفاً فیزیکی) ارکان و زیرساخت‌های حیاتی

۳-۱- سیر تحول تأثیرمحوری در بازه‌ی ۲۰۰۳-۱۹۹۱

در دهه‌ی ۱۹۹۰ نه‌تنها بودجه‌ی دفاعی آمریکا کاهش یافت بلکه قدرت آن به منظور اعزام نیرو در دوران پس از جنگ سرد بیش از ۴۰ درصد کاهش یافت (Cordesman, ۲۰۰۳:۹). با توجه به این پیش‌زمینه، مفهوم عملیات تأثیرمحور با ملاحظه‌ی این امر آغاز شد که چگونه می‌توان عملیات «طوفان صحرا» (۱۹۹۱) را با نیروی بسیار کم و در زمان کوتاه انجام داد. پس از این عملیات، نوعی بازاندیشی از شیوه‌ی جنگیدن آمریکا در جنگ‌های آینده در محیط پس از جنگ سرد با توجه به برتری نظامی آمریکا صورت گرفت (Cordesman, ۲۰۰۳:۱۱)؛ لذا این تفکر، تکامل یافت که چگونه و در کجا می‌توان از یک نیروی دقیق به‌منظور دستیابی به یک پیروزی سریع و تعیین‌کننده استفاده کرد. اگر چه مفهوم عملیات تأثیرمحور مفهوم جدیدی نبود اما به نظر می‌آمد که آمریکا روش خود را در به‌کارگیری نیرو تغییر داده است و جنگ دوم خلیج فارس (حمله به عراق در سال ۲۰۰۳) می‌تواند شاهده‌ی بر این مدعا باشد (همان). به بیان دیگر، آمریکا سعی کرد طی چهار جنگ بزرگی که در بازه‌ی زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ به راه انداخت، رویکرد تأثیرمحوری را توسعه دهد. در سطح تاکتیکی، رویکرد تأثیرمحور را می‌توان به عنوان برنامه‌ریزی تأثیرمحور در نظر گرفت؛ در این روش، این تأثیرات مطلوب هستند که اقدامات را مشخص می‌سازند و تأثیرات نتیجه‌ی اقدامات می‌باشند. این روش‌شناسی برنامه‌ریزی بر استفاده از ابزارهای نظامی و غیرنظامی به منظور مهار دشمن تأکید دارد (Gleeson, ۲۰۰۱:۶۳).

در سطح تاکتیک، عملیات تأثیرمحور را می‌توان به‌عنوان یک ابزار هدف‌گیری کارآمد و موثر تصور کرد که به‌دنبال بهره‌برداری از نقاط ضعف کلیدی دشمن از طریق تحلیل قابلیت‌های او به‌عنوان یک سامانه پیچیده می‌باشد. عملیات تأثیرمحور بر تخریب گره‌های (نودهای) حساس و نه تخریب کل زیرساخت‌ها به‌منظور دستیابی به تأثیرات مطلوب و انجام عملیات موازی با تمرکز بر حمله‌ی همزمان بر تمام اهداف مطلوب به جای حملات متوالی متمرکز است. همچنین، عملیات تأثیرمحور را می‌توان مترادف با «تسلط سریع» یا مفهوم شناخته‌شده‌تر «شوک و بهت» دانست. (همان) برخی نیز عملیات تأثیرمحور را یک جنگ شبکه‌محور در سطح عملیاتی فرض می‌کنند (Smith, ۲۰۰۲:۲۱).

در سطح راهبردی نیز، اعتقاد بر این است که عملیات تأثیرمحور را می‌توان به‌عنوان کاربرد تمامی منابع قدرت ملی - سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک به منظور پرداختن به تمام عناصر قدرت ملی دشمن در نظر گرفت (Gleeson, ۲۰۰۱:۹۳). این ادعا وجود دارد که اتکا به یک منبع قدرت ملی به شیوه‌ای اجتناب‌ناپذیر موجب کاهش تأثیرگذاری کلی شده و انطباق دشمن با محیط و تهدید را نسبتاً آسان می‌سازد. در عملیات آزادسازی عراق (۲۰۰۳) نیز تا حدی از این مفهوم حداقل تا پایان مرحله‌ی جنگ داغ استفاده شد. پیش از

متوسل شدن به کاربرد زور از اقدامات بدیلی؛ هم‌چون تحریم‌های اقتصادی علیه صادرات نفت عراق پس از عملیات طوفان صحرا و مذاکرات دیپلماتیک در شورای امنیت سازمان ملل استفاده شده بود. در جدول ۲ مفهوم تاثیرمحوری در سه سطح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی به طور خلاصه ارائه شده است.

جدول ۲- مفهوم رویکرد تاثیرمحور در سطوح راهبردی، عملیات و تاکتیک

رویکرد تاثیرمحوری در سه سطح	برخی از ویژگی‌ها
سطح راهبرد	<ul style="list-style-type: none"> ▪ کاربرد تمامی منابع قدرت ملی - سیاسی، نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک - جهت پرداختن به تمام عناصر قدرت ملی دشمن
	<ul style="list-style-type: none"> ▪ مختل کردن راهبرد، توان یا اراده دشمن برای شروع جنگ ▪ توجه به تمامی ابزار قدرت ملی، نه به یکی از آن‌ها ▪ تخریب گره‌های (نودهای) حساس و نه تخریب کل زیرساخت‌ها ▪ واپایش ساختار فرماندهی دشمن، هم غیرنظامی و هم نظامی،
سطح عملیات	<ul style="list-style-type: none"> ▪ واپایش دشمن، بدون آن که مجبور به از بین بردن او باشیم ▪ متمرکز کردن تلاش‌های گوناگون در جهت یک هدف مشترک ▪ آگاهی وسیع‌تر و عمیق‌تر نسبت به دشمن از طریق کنار هم قراردادن اطلاعات فرهنگی، رفتاری، فنی، اقتصادی، سیاسی و نظامی او و تحلیل آن ▪ بکارگیری دیپلماسی ارباب مداوم و موثر ▪ صدمات جانبی و تلفات انسانی کمتر و پایین‌تر و استفاده از نیروی کمتر ▪ دشمن فرصت ترمیم، انطباق یا یافتن جایگزین‌هایی برای حفظ عملکرد سامانه‌های حیاتی خود را نخواهد داشت ▪ در نظر گرفتن دشمن به عنوان یک کل ▪ کاهش مدت زمان نبردها ▪ ناتوان کردن سامانه‌های واپایش دشمن
	<ul style="list-style-type: none"> ▪ از بین بردن توان دشمن برای واپایش سامانه‌های اساسی او در سطح عملیاتی باعث فلج شدن توانایی دشمن جهت عمل‌کردن در سطح راهبردی می‌شود
	<ul style="list-style-type: none"> ▪ افزایش سرعت و دقت عملیات نظامی با استفاده از فناوری‌های پیشرفته ▪ بی‌اثر کردن هدف به جای تخریب هدف
	<ul style="list-style-type: none"> ▪ جنگ شبکه‌محور
سطح تاکتیک	<ul style="list-style-type: none"> ▪ تعامل و همکاری بین فرماندهی عملیاتی و دیگر بازیگران کلیدی نبرد به منظور مقابله با عدم قطعیت انجام عملیات در مقابل دشمنی پیچیده و انطباق‌پذیر ▪ برنامه‌ریزی یکپارچه و مشترک در سطح عملیاتی ▪ تسلط سریع یا شوک و بهت ▪ انجام عملیات موازی با تمرکز بر حمله‌ی هم زمان بر تمام اهداف مطلوب به جای حمله متوالی متمرکز
	<ul style="list-style-type: none"> ▪ برنامه‌ریزی تاثیرمحور ▪ به‌عنوان یک ابزار هدف‌گیری کارآمد که به دنبال بهره‌برداری از نقاط ضعف کلیدی دشمن از طریق تحلیل

بر اساس ویژگی‌های بدست آمده برای رویکرد تاثیرمحوری و اظهارات صاحب‌نظران غربی در باره‌ی جنگ‌های رخ داده از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳، می‌توان مقایسه‌ای بین چهار جنگ بزرگ در این بازه‌ی زمانی انجام داد که نتیجه‌ی آن در جدول ۳ ارائه شده است. این مقایسه «تنها در زمان انجام عملیات اصلی (جنگ داغ)» صادق است و برای زمان بعد از اتمام جنگ اصلی صادق نمی‌باشد.

جدول ۳- مقایسه چهار جنگ در بازه زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۳ بر اساس ویژگی‌های رویکرد تاثیرمحور

جنگ سوم عراق	جنگ افغانستان	جنگ کوزو	جنگ اول عراق	ویژگی‌های رویکرد تاثیرمحور
●●●●	●●●	●●●	●	استفاده از تمام ابزار قدرت ملی و جهانی علیه تمام ابزار قدرت ملی دشمن
●●●●	●●●	●	●	تخریب گره‌های (نودهای) حساس و ته تخریب کل زیرساخت‌ها
●●●●	●●●	●	●●●	کنترل ساختار فرماندهی دشمن، هم غیرنظامی و هم نظامی
●●●●	●●●●	●	●	متمرکز کردن تلاش‌های گوناگون در جهت یک هدف مشترک
●●●●	●●●●	●●●	●●●●	ارتباط دادن راهبرد- به- وظیفه
●●●●	●●●●	●	●●●	یکارگیری دیپلماتی اربعه مدوام و موثر
●●●●	●●●	●	●	صلح‌ات جانبی و تلفات انسانی کمتر و پایین‌تر
●●●●	●●●	●	●	استفاده از نیرو و منابع کمتر
●●●●	●●●	●	●●●	کاهش مدت زمان نبرد
●●●●	●●●	●●●	●	افزایش سرعت و دقت عملیات نظامی یا استفاده فناوری‌های پیشرفته
●●●●	●●●	●●●	●	در نظر گرفتن دشمن به عنوان یک کل
●●●●	●●●	●●●	●	شبکه‌سور عمل کردن
●●●●	●●●	●●●	●	طرح‌ریزی تاثیرمحور
●●●●	●●●	●●●	●●●	انجام حملات موازی

توضیحات: تعداد دایره‌های سیاه نشان دهنده‌ی شدت تحقق ویژگی‌ها را نشان می‌دهد. هرچه تعداد دایره‌ها بیشتر باشد، ویژگی مورد نظر بیشتر تحقق یافته است و بالعکس.

همان‌طور که مشاهده می‌شود در طول چهار جنگ مورد بحث، از عملیات طوفان صحرا تا عملیات آزادسازی عراق، ارتش آمریکا و ائتلاف تلاش کرده است هرچه بیشتر به رویکرد تاثیرمحور و ویژگی‌های آن در زمان انجام عملیات اصلی (جنگ داغ) نزدیک تر شود. این امر در آخرین عملیات، یعنی آزادسازی عراق در ۲۰۰۳ به خوبی دیده می‌شود. در واقع، آمریکا سعی کرده است قدرت شبکه‌محوری، ایجاد انسجام و هماهنگی بین عناصر صحنه نبرد و... خود را افزایش دهد و زمان عملیات، تلفات انسانی، تخریب، تعداد سلاح‌ها و مهمات به کارگرفته شده را کاهش دهد؛ همچنین تلاش نموده است از سلاح‌ها و تجهیزات

دقیق‌تر، هوشمندتر، سریع‌تر، و مخرب‌تر استفاده نماید؛ اما نکته قابل تامل در تمام این چهار جنگ آن است که آمریکا خود مستقیماً وارد جنگ شد و کاملاً بر سلاح‌های دقیق و هوشمند اتکا داشت.

۳-۲- بازه ۲۰۰۳ به بعد

یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که بر سر راه پیاده‌سازی تاثیرمحوری برای آمریکا وجود داشت، عدم توانایی ارزیابی دقیق و صحیح از تاثیرات مستقیم و غیرمستقیم ایجادشده‌ی (فیزیکی و غیرفیزیکی) بود، که این خود ناشی از ضعف در جمع‌آوری اطلاعات دقیق از صحنه‌ی نبرد است. در واقع، شاید بتوان گفت: بزرگ‌ترین نقطه ضعف آمریکا، عدم دسترسی به اطلاعات دقیق و صحیح بوده و هست.

چالش دیگری که به خصوص در جنگ افغانستان و جنگ دوم خلیج فارس (۲۰۰۳) خودنمایی کرد، حضور مردم عادی و غیرنظامی در صحنه‌ی نبرد (شهرها، روستاها و...) بود. این امر باعث افزایش تلفات مردم و تخریب شهرها و مناطق مسکونی شد؛ همچنین از مهم‌ترین موضوعاتی که در هر چهار عملیات تقریباً نادیده گرفته شد: «ارزش‌ها، آداب و رسوم، اعتقادات، و ادراکات مردم» بود. آمریکا دیدگاه مردم خاورمیانه را نسبت به خود و تاثیر آن بر عملیات در نظر نگرفته بود. عوامل اجتماعی- فرهنگی تاثیرات منفی شدیدی بر عملیات‌ها گذاشتند. آمریکا به خصوص در عملیات سال ۲۰۰۳ فکر نمی‌کرد که مردم عراق علیه او به مقابله پرداخته و مقاومت نمایند. او نتوانست برای خود مشروعیت منطقه‌ای یا ملی ایجاد کند. آمریکا در افغانستان و عراق با پدیده‌ی جدیدی به نام ارزش‌ها، اعتقادات، فرهنگ و مردم روبرو شد. او با یک گروه حاکم و یا یک نیروی نظامی روبرو نبود؛ به همین علت از سال ۲۰۰۳ به بعد نگرش آمریکا به گونه‌ای دیگر تغییر یافت و برای مواجهه با چالش‌های آینده، مفاهیم جدیدی ایجاد کرد.

۳-۳- تولید مفاهیم جدید

وزارت دفاع آمریکا به این نتیجه رسید که به‌منظور دستیابی به اهداف سیاست دفاعی، نیازمند یک دیدگاه راهبردی گسترده و بلندمدت و کاربرد گسترده‌تر عوامل عملیاتی و عوامل محیطی راهبردی و نیز تحلیل قابلیت‌ها و توانمندی‌های مطلوب است. در این راستا، اقدام به تولید مفاهیم جدیدی نمود. این مفاهیم که مفاهیم عملیاتی مشترک^۱ نامیده شده‌اند به توصیف نحوه‌ی انجام عملیات نیروی مشترک آمریکا در ۱۵ الی ۲۰ آینده می‌پردازند (عملیات مشترک آمریکا و ۵۲:۱۳۸۷). این مفاهیم بر اساس تجربیات کسب‌شده (چالش‌هایی که با آن‌ها مواجه شده و یا تحولات آینده) توسط ارتش آمریکا و کشورهای ائتلاف، طراحی و

۱. Joint Operations Concepts

توسعه داده می‌شوند؛ برخی از این مفاهیم عبارتند از: برتری (تفوق) همه‌جانبه، عملیات رزمی بزرگ^۱، عملیات ثبات، بازدارندگی راهبردی، جنگ بی‌قاعده^۲ و ارتباطات راهبردی^۳.

۳-۴- رابطه‌ی تاثیرمحوری و مفاهیم عملیاتی

در سند «مفاهیم عملیات مشترک» (۲۰۰۳) به طور صریح استفاده از رویکرد تاثیرمحور مورد تاکید قرار گرفته و ادعا شده است که نیروی مشترک آمریکا از رویکرد «تأثیرمحور» که شامل دیدگاه نظام مند است، استفاده می‌کند. دیدگاه نظام مند، باعث ایجاد درک مناسبی از وضعیت زیرساخت‌های اساسی سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و سامانه‌های اطلاعاتی می‌شود که نحوه‌ی عملکرد سامانه‌ها و روابط میان آن‌ها را برجسته می‌کند. برتری در تصمیم‌گیری و قابلیت‌های سریع‌الاستفاده، امکان به دست گرفتن ابتکار عمل به منظور تضمین آزادی عمل را برای نیروی مشترک آمریکا، هماهنگی با متحدان و شرکا را فراهم می‌سازد (همان)؛ بنابراین از یک طرف، عملیات آینده، تاثیرمحور بوده و هدف غایی آن، توانایی ایجاد و دستیابی به یک تاثیر دقیق است و از طرف دیگر، مفاهیم عملیاتی نحوه‌ی جنگیدن (جنگ نظامی و غیرنظامی) در آینده را توصیف می‌کنند؛ به عبارتی، مفاهیم عملیاتی نشان می‌دهند که آمریکا و ائتلاف چگونه تاثیرمحور عمل خواهند کرد. تاثیر مطلوب می‌تواند یک رفتار قابل مشاهده یا یک احساس، عقیده، باور یا نگرش غیرقابل مشاهده باشد (عملیات مشترک آمریکا و ۶۳:۱۳۸۷).

۴- روش تحقیق:

این پژوهش از نوع کیفی بوده که با روش اکتشافی و از طریق بررسی اسنادی و تحلیل محتوا انجام شده است. ابزار اصلی آن، مطالعات کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های تخصصی و پرسشنامه در قالب روش دلفی^۴ است. در ابتدا بر اساس مطالعه کتابخانه اسناد آشکار آمریکا؛ نظیر سلسله مفاهیم عملیات مشترک ارتش آمریکا، سلسله گزارشات محیط عملیات مشترک ارتش آمریکا تا ۲۰۳۰، گزارشات موسسه‌ی رند آمریکا و برخی دیگر از اندیشکده‌ها، اسناد راهبرد امنیت ملی آمریکا، اسناد راهبرد دفاعی و نظامی ملی آمریکا و

۱. Main combat operations
۲. Irregular Warfare
۳. Strategic Communication
۴. Delphi

مصاحبه با ۱۲ خبره در حوزه مطالعات راهبردی، امنیت و تهدید شناسی (به شرح جدول ذیل) تعداد ۴۲ محور اصلی اسناد موصوف شناسایی و استخراج گردید.

جدول ۴- مشخصات خبرگان بررسی روایی پژوهش

ردیف	مشخصات گروه خبره	تعداد
۱	اساتید دانشگاه	۳ نفر (۲ دانشیار، ۱ استادیار)
۲	فعال در مراکز مطالعات راهبردی وابسته به نیروهای مسلح	۲ نفر
۳	فعال در مراکز پژوهشی در حوزه امنیت و تهدید شناسایی	۲ نفر
۴	فعال در موسسه تحقیقات دفاعی	۲ نفر
۵	فعال در بخش‌های تحلیل و بررسی سازمان‌های امنیتی	۳ نفر

در ادامه با بهره‌گیری از روش دلفی از تعداد ۵۵ نفر با مشخصات ذیل طی ۳ مرحله پرسشنامه‌هایی ارسال و نتایج، مورد تحلیل داده کاوی قرار گرفت.

جدول ۵- ترکیب خبرگان بررسی دلفی

ردیف	مشخصات گروه خبرگان دلفی	تعداد خبره
۱	فرماندهان نظامی	۵ نفر
۲	اساتید دانشگاهی حوزه مطالعات راهبردی و جامعه شناسی	۱۰ نفر
۳	مسئولین و محققین مراکز مطالعات راهبردی وابسته به نیروهای مسلح	۱۵ نفر
۴	مسئولین و محققین مراکز پژوهشی فعال در حوزه‌های امنیتی	۱۰ نفر
۵	تحلیل‌گران فعال در بخش‌های تحلیل و بررسی سازمان‌های اطلاعاتی	۱۰ نفر
۶	پژوهشگران حوزه تهدید شناسی و امنیت	۵ نفر

۴-۱- مرحله اول دلفی:

بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای اسناد آمریکایی به شرح ذیل:
 برتری همه‌جانبه (۲۰۰۳). عملیات رزمی اصلی (۲۰۰۴). بازدارندگی راهبردی (۲۰۰۴). عملیات ثبات (۲۰۰۴).
 فرماندهی و کنترل (۲۰۰۵).
 اصول ملی جنگ (۲۰۰۶). محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۶). جنگ بی‌قاعده (۲۰۰۷). محیط
 عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۷).

شبکه مسلمانان میانه رو (۲۰۰۸). محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۰۸). ارتباطات راهبردی (۲۰۰۹). رویکرد همه جانبه (۲۰۰۹).

جنگ بی‌قاعده (۲۰۱۰). محیط عملیات مشترک آمریکا تا ۲۰۳۰ (۲۰۱۰). ارتباطات راهبردی (۲۰۱۰).
و در تحلیل محتوای انجام شده، تعداد ۴۰ محور اصلی مفاهیم عملیاتی استخراج گردید که در جدول شماره ۶ درج شده است. بر این اساس پرسشنامه ای حاوی محورهای ۴۰ گانه موصوف، تهیه و همراه با ترجمه اسناد مورد اشاره برای خبرگان ارسال گردید و از ایشان خواسته شد در خصوص ارتباط هر کدام از موارد فوق با ایران، نظر موافق یا مخالف خود را ارائه دهند. ضمناً در انتهای پرسشنامه از خبرگان درخواست شد در صورت لزوم برای افزایش غنای علمی پژوهش، اظهار نظر و پیشنهادات خود را در خصوص محورهای اعلامی ارائه و در صورت لزوم، محور جدیدی را اضافه نمایند.

نتیجه:

تمام ۵۵ پرسشنامه اخذ و از بین ۴۰ محور ارسالی تعداد ۲۳ محور مورد تایید قرار گرفت. لازم بذکر است که خبرگان، محور جدیدی را عنوان نکردند. پس از تجزیه و تحلیل اعلام نظر خبرگان بر اساس روش داده کاوی، پرسشنامه جدیدی طراحی و برای مرحله دوم دلفی تهیه گردید.

۴-۲- مرحله دوم دلفی:

برای مشخص شدن دقیق محدوده پژوهش در پرسشنامه دوم از خبرگان در خواست شد که اصول اساسی و مشترکی که این محورها بدان اشاره دارند، مخاطبین متصور، اهداف، رویکردها و ابزارهای مورد استفاده در مفاهیم عملیاتی نوین آمریکا علیه ایران را مشخص نمایند.

نتیجه:

تعداد ۵۵ پرسشنامه اخذ و پاسخ‌های خبرگان با بهره‌گیری از شیوه داده کاوی مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن به شرح جدول ۷ ارائه شده است. بر اساس تجزیه و تحلیل نتایج به دست آمده، پرسشنامه دیگری برای مرحله سوم دلفی طراحی شد.

۴-۳- مرحله سوم دلفی:

با ارسال پرسشنامه (طراحی شده از نتایج مرحله دوم) از خبرگان درخواست شد در خصوص رویکردهای نوین امنیتی ج.ا. که می‌بایست برای مقابله با تهدیدات متصور آینده در نظر گرفته شود و ظرفیت‌هایی که باید ایجاد شود، نظرات تخصصی خود را ارائه نمایند.

نتیجه:

تعداد ۵۵ پرسشنامه اخذ و پاسخ‌های خبرگان با بهره‌گیری از شیوه داده کاوی مورد تحلیل قرار گرفت که نتایج آن در انتهای بخش تجزیه و تحلیل ارائه شده است.

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق:

جدول ۶- نکات مهم در مفاهیم عملیاتی آمریکا

نکات مهم و تأکید شده	
۱. اعمال فشار مداوم بر دشمن و او را دائماً در حال انفعال نگه‌داشتن.	۲۰. به کارگیری تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی.
۲. وادار کردن دشمن برای تن دادن به خواسته‌های آمریکا و قانع‌ساختن او به تفکر و اقدام منطبق با اهداف آمریکا.	۲۱. ایجاد و حفظ مشروعیت نیروهای آمریکایی نزد مردم.
۳. نفوذ قاطع در درک و تصمیم‌گیری طرف مقابل و نشان دادن و فهماندن به او که عمل او منفعتی برایش ندارد.	۲۲. از بین بردن مشروعیت گروه حاکم، نزد مردم.
۴. استفاده از گروه‌های مختلف داخلی علیه گروه حاکم مخالف آمریکا.	۲۳. جنگ بی‌قاعده بر محوریت مردم استوار است.
۵. شکل بخشیدن به تحولات به صورت فعال.	۲۴. مردم حتی بیشتر از نظامیان و فناوری‌های پیشرفته در موفقیت جنگ بی‌قاعده نقش دارند.
۶. ایجاد تلقی و درک فشار بی‌وقفه در تمام سطوح راهبردی، عملیاتی و تاکتیکی در ذهن دشمن.	۲۵. اتکا به منابع اطلاعاتی انسانی.
۷. ترغیب طرف‌های ثالث قابل اتکا (رهبران خارجی، رسانه‌ها و ذی‌نفعان کلیدی) به منظور انتقال پیام.	۲۶. ارتقای تصویر آمریکا نزد مخاطبان مختلف در اقصا نقاط جهان.
۸. فشار از طریق جنگ ایدئولوژیک، جنگ ایده‌ها و جنگ روایت‌ها، و بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی‌ها.	۲۷. تمرکز بر افرادی که دارای بیش‌ترین توانایی اعمال نفوذ بر دیگران را دارا هستند.
۹. به کارگیری راه‌های زیرکانه‌تر اجتماعی - سیاسی، برای کاهش جذابیت ایدئولوژی طرف مقابل.	۲۸. رشد تدریجی ارزش‌های دموکراتیک و لیبرال از طریق مردم عادی.
۱۰. تغییر موضع از اقدامات مستقیم نظامی به سرمایه‌گذاری در حوزه‌ی مسائل و صنایع فرهنگی.	۲۹. نیاز به کسب حمایت و پشتیبانی مردم.
۱۱. آمریکا درگیر جنگی شده است که هم وجهه مسلحانه دارد و هم نبرد اندیشه‌ها و عقاید است.	۳۰. نقش محوری بعد انسانی در جنگ‌ها.
۱۲. آن‌چه که بیش از همه مهم است پیروزی در «جنگ ایده‌ها» است که بخش اعظم آن باید از خود جهان اسلام اخذ شود.	۳۱. شناسایی و دستیابی به رهبران فکری کلیدی.
۱۳. نمی‌توان تنها با به‌کارگیری ابزار نظامی این‌گونه بحران‌های مدرن و پیچیده را مرتفع ساخت.	۳۲. هدف‌گیری مخاطبان میانه‌رو یا بی‌طرف.
۱۴. دستیابی به اهداف، مستلزم استفاده از مجموعه‌ای از توانایی، از جمله ابزار رسانه‌ای و ارتباطات، اقدامات اطلاعاتی و فعالیت‌های ساختنی می‌باشد.	۳۳. تربیت پیشوا برای مسلمانان در اروپا.
۱۵. نفوذ و تاثیر اطلاعاتی (نگرش‌ها و رفتارهای ایجادشده در مخاطبان با استفاده از کلمات، تصاویر و اقدامات) به عنوان مهم‌ترین بخش در تدوین راهبردها و اجرای عملیات.	۳۴. متحدان غرب می‌توانند از میان سکولارها، مسلمانان لیبرال و سنت‌گرایان میانه‌رو باشند.
۱۶. «جنگ به منظور پیروزی در بیان روایت» رخ خواهد داد.	۳۵. امروزه زنان به عنوان نمایندگان اساسی دموکراسی‌سازی و تغییر فرهنگی به شمار می‌روند.
۱۷. رسانه‌ها ابزار بسیار مهم برای ایجاد تاثیرات راهبردی.	۳۶. مسلمانان آمریکایی با دانش فرهنگی خود و خانواده و ارتباطات اجتماعی به کشور زادگاه‌شان، می‌توانند یک عنصر حیاتی در جنگ ایده‌ها در جهان اسلام باشند.

<p>۱۸. انتقال دیپلماسی عمومی به دنیای اسلام از طریق رادیو و تلویزیون‌های ماهواره‌ای.</p> <p>۱۹. حضور یک رسانه‌ی میانه‌رو در برابر رسانه‌های رادیکال، ابزاری حیاتی در جنگ ایده‌ها است.</p>	<p>۴۰. هرکس بتواند سخن خود را در اذهان مردم و مخاطبان به کرسی بنشاند، برنده جنگ است؛ مهم نیست واقعیت چیست، مهم آن است مردم چه چیزی را واقعیت درک کرده باشند.</p>
---	--

جدول ۷ - اصول مشترک، مخاطبین، اهداف، رویکردها و ابزارهای مفاهیم عملیاتی نوین آمریکا

اصول مشترک در محورها	<ul style="list-style-type: none"> • به کارگیری تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی. • شکل بخشیدن به محیط و تحولات. • اعمال فشار مداوم بر دشمن و نیز در حالت رعب و انفعال قراردادن او. • فشار از طریق جنگ ایدئولوژیک، جنگ ایده‌ها، جنگ روایت‌ها، و بی‌اعتبارسازی ایدئولوژی طرف مقابل. • تغییر موضع از اقدامات مستقیم نظامی به اقدامات غیر مستقیم.
مخاطبین محورها	<ul style="list-style-type: none"> • مردم عادی (خودی، بی طرف، طرف مقابل). • افراد ذی نفوذ، متفکران و رهبرانی که می‌توانند بر دیگران تاثیر بگذارند.
اهداف	<ul style="list-style-type: none"> • ایجاد و حفظ مشروعیت نیروهای آمریکایی نزد مردم. • از بین بردن مشروعیت گروه حاکم نزد مردم. • نفوذ و تاثیرگذاری در درک و تصمیم‌گیری طرف مقابل، و ایجاد تغییر نگرش و رفتار در او.
رویکردهای نوین	<ul style="list-style-type: none"> • ترویج دموکراسی و حقوق بشر. • ائتلاف و همکاری با دیگران و دیگر مراکز قدرت جهانی. • شکل‌دهی به محیط جهانی و بین‌المللی و تاثیرگذاری بر حوادث. • ایجاد کشورهایی با حکومت خوب. • به کارگیری تمام ابزار قدرت ملی و بین‌المللی. • تاکید بر رهبری آمریکا. • گذار از اعمال مستقیم قدرت به آمیزه دشواری از قدرت و نفوذ غیرمستقیم و پیچیده. • حفظ مشروعیت جهانی و حمایت از آمریکا. • عدم انجام جنگ مستقیم آمریکا با کسانی که رویکرد نامتقارن را در پیش گرفته‌اند و استفاده از متحدان و دوستان منطقه‌ای خود به منظور مقابله با آنها.
ابزارها	<ul style="list-style-type: none"> • به کارگیری تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی. • تهدید مداوم به حمله‌ی نظامی. • رسانه‌ها. • فضای سایبر. • سازمان‌های بین‌المللی. • سازمان‌های مردم‌نهاد.

جدول ۸ - نوآوری‌ها و تغییر نگرش‌های ضروری در مفهوم امنیت و دفاع

نوآوری‌ها و تغییر نگرش‌های ضروری امنیتی - دفاعی	
<ul style="list-style-type: none"> • برقراری ارتباط و تعامل موثر و راهبردی با سازمان‌های بین‌المللی. • تمرکز بر رویکرد دفاعی جنگ نامتقارن با دشمنان. • تغییر و اصلاح ذائقه مصرف مردم. • آگاه‌سازی و واپایش اطلاعاتی ذی نفوذان ملی و نخبگان با هدف صیانتی. • بهره‌گیری از ظرفیت ایرانیان مقیم کشور دشمن برای حاکمیت روایت مطلوب ما. • بهره‌گیری از ظرفیت مسلمانان مقیم کشور دشمن برای حاکمیت روایت مطلوب ما. • تغییر رویکرد اقدامات اطلاعاتی به سمت بهره‌گیری از ظرفیت‌های شناختی. • تغییر رویکرد سیاست‌های امنیتی از واپایش به سمت هدایت و جریان‌سازی. • تغییر رویکرد اقدامات اطلاعاتی از تقابل به سمت فریب و نیرنگ. • ایجاد و توسعه شبکه اطلاعاتی متکی بر منابع انسانی در حوزه دشمن. (ترجیحاً منابع غیرآگاه). • تغییر رویکرد اقدامات اطلاعاتی از ضربه زنی به سمت شناسایی نقاط ضعف، رخنه و نفوذ. • تغییر رویکرد اقدامات اطلاعاتی از حضور صرف در صحنه نبرد به سمت حضور در اقیانوس آبی. • تغییر نگرش‌های راهبردی در رسانه ملی به سمت ایجاد نگرش و رفتار در مخاطبان داخلی. • تغییر نگرش‌های راهبردی فراملی رسانه ملی به سمت ایجاد نگرش و رفتار در مخاطبان خارجی. • در جنگ‌های آینده، رسانه مهمترین ابزار و سامانه دفاعی و آفندی است. • توسعه فناوری‌های مرتبط در راستای تقویت رسانه؛ نظیر فناوری ماهواره. • رسانه‌ها باید ماهیتی میانه رو را دنبال کند. از هر گونه حرکت رادیکالی دوری کنند. • پیروز اصلی در جنگ، حاکمیت روایت هاست که ابزار اصلی آن رسانه، ایجاد نگرش و رفتار است. • شناسایی راه حل‌ها و چاره اندیشی به موقع وصحیح برای مشکلات فعلی و آتی کشور. • ایجاد رویدادهای هدایت‌شده در مسیر روندهای غیرمطلوب. 	<ul style="list-style-type: none"> • رصد، تحلیل و شناسایی نقاط ضعف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، دفاعی، تامین انرژی • بهره‌گیری از توان پدافند غیرعامل در تمامی حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و دفاعی. • ایجاد ظرفیت درون زا برای تامین نیازمندیهای حیاتی کشور در تمامی حوزه‌ها. • ایجاد و ارتقای روحیه استعمار ستیزی و استثمار گریزی از دوران کودکی. • تولید علم در حوزه‌های مدیریت بحران؛ خصوصاً بحران‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی. • رصد اطلاعاتی گروه‌ها و احزاب رسمی و غیررسمی معاند، مخالف و بی تفاوت نسبت به نظام و مرتبطین آن‌ها. • واپایش اطلاعاتی ارتباطات و مرتبطین خارجی گروه‌ها و احزاب رسمی و غیررسمی معاند و مخالف. • تضعیف گروه‌های معاند به صورت نامحسوس. • جذب حداکثری و به موقع گروه‌های مخالف بی خطر و بی تفاوت در درون حاکمیت. • قطع ارتباط تشکیلاتی و فرهنگی گروه‌های معاند و مخالف با اسلاف و اخلاف خود. • تحلیل صحنه سازی‌های (سناریو) آینده و هدایت تمامی ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها به سمت تحقق صحنه‌سازی مطلوب. • ایجاد مخارج طبیعی فشارهای ساختگی و هدایت شده از سوی دشمن؛ نظیر جشن‌های ملی، مسابقات ورزشی و.. • شناسایی نقاط ضربه پذیری و ضعف دشمن و بزرگ نمایی مکرر آن با هدف شکست هیمنه دشمن در ذهن مردم. • ایجاد ظرفیت رسانه ای بالا. اعم از کانال‌های رسانه ای، نشریات، افراد دارای نفوذ کلام، نهادهای مدنی مدافع و.. • بهره‌گیری از افراد دارای جایگاه ملی و مردمی برای رساندن پیام حاکمیت به مردم و بالعکس. • حمایت همه جانبه و ارتقای افراد ذی نفوذ متعهد به حاکمیت و قابل اطمینان در سطح ملی و فراملی. • صیانت همه جانبه از افراد ذی نفوذ و نخبگان ملی در مقابل ضربه زنی دشمن. • عزم جزم و بسیج تمامی منابع برای رفع مشکلات جامعه و ملت. • نظارت و واپایش بر فعالیتهای سیاسی که محور منافع حزبی و گروهی است در راستای منافع ملی باشد.

- مجاری رسانه ای دشمن اعم از رسانه ها، افراد ذی نفوذ و.. مورد رصد دقیق اطلاعاتی قرار گیرند.
- هدایت مراکز رصد داخلی به سمت شناسایی هرگونه سیگنال ضعیفی که منجر به بروز بحران شود.
- مدیریت اجتماعی نوین،(بخش بندی گلوگاه‌های مختلف جامعه و مدیریت هر کدام توسط ظرفیتی تخصصی).
- مفهوم‌سازی دکترین دفاع همه‌جانبه حضرت امام خمینی(ره) بهره‌گیری از تمامی ابزار قدرت ملی و بین‌المللی برای دفاع و حمله به دشمن.
- برقراری ارتباط موثر و راهبردی با جهان اسلام و بهره‌گیری از این ظرفیت علیه دشمن.
- برقراری ارتباط موثر و راهبردی با ملت‌های غیر مسلمان و بهره‌گیری از این ظرفیت علیه دشمن.
- از بین بردن مشروعیت دشمن در جهان به طرق نرم:به عنوان مثال با بهره‌گیری از ظرفیت رسانه، تاریخ و..
- برهم زدن مشروعیت دشمن در حوزه حاکمیتش،کانون تمرکز قرار گیرد.
- ایجاد تقابل و تعارض بین دشمن و ملت تحت حاکمیتش.
- ارتباط موثر و هدفمند با نخبگان ملت تحت حاکمیت دشمن و انتقال و تثبیت روایت خودمان در ذهن ایشان.
- تغییر رویکرد در ظرفیت‌های برون مرزی ج.ا.ا. منطبق با سیاست روایت سازی؛ نظیرسفیر و کارداران سفارتخانه ها، سپاه قدس، رایزنان فرهنگی، رایزنان علمی، وابسته‌های نظامی و دفاعی و.
- نفوذ و رخنه دینی در درون صهیونیسم و مسیحیت رادیکال). مشابه اقدامات غرب در حوزه اسلام).
- تغییر مثبت بافت جمعیتی در مناطق مرزی بحران خیز داخلی،با تزریق جمعیت هم‌هنگ با حاکمیت.
- اهتمام ویژه و جدی همراه با ایجاد زمینه اشتغال و تولید در مناطق محروم داخلی خصوصاً نواحی مرزی ممانعت از اختیار پست‌های تصمیم ساز و تصمیم گیرحساس توسط سکولارها و مسلمانان میانه رو.
- سرمایه گذاری جدی و عمیق بر روی جامعه زنان به عنوان پیشروان اصلی ساخت اجتماعی و فرهنگی جامعه.
- صیانت از جامعه زنان کشور با هدف جلوگیری از بدام افتادن در تهاجم روایتی و فرهنگی دشمن.
- بهره‌گیری موثر وهدفمند از فضای سایبر.
- جلوگیری از بروز هر گونه بحران و تنش در داخل کشور.
- ظرفیت‌های بروز بحران و تنش داخلی خشکانده شود.
- هدف گذاری حوزه و دانشگاه برای مبارزه با دشمن در حوزه اعتقاد و اندیشه‌های تهاجمی.
- شناسایی روایت‌های دشمن در حین تشکیل و ممانعت از حاکم شدن آن در جامعه.
- ساختن روایت‌های هدفمند و ظرفیت ساز در داخل و اشاعه آن در بدنه جامعه.
- انتقال هزینه دفاع و روایت‌سازی از حاکمیت به بدنه اجتماع.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های حوزه و دانشگاه برای روایت‌سازی در داخل کشور.
- شناسایی نقاط ضعف ایدئولوژی دشمن و بزرگ نمایی آن با هدف کاهش جذابیت آن.
- ایجاد مانع برای تسلط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم دشمن.
- جلوگیری از تخاصم و تهاجم اعتقادی و اندیشه ای با سایر مکاتب اسلام.
- بهره‌گیری از ظرفیت‌های سیاسی اسلام؛ نظیر موسم حج و سازمان کشورهای اسلامی.
- ایجاد همبستگی عمیق و تشکیلاتی در میان جامعه تشیع.
- حمایت و صیانت صحیح و راهبردی از ظرفیت‌های تشیع در منطقه.
- جذب ظرفیت‌های اهل تسنن نزدیک به شیعه؛ نظیر شافعی.
- جلوگیری از توسعه افراطی گری مکتبی به هر شکل.
- ارتقای تصویر ساختار حاکمیت و جامعه خودی در سطح جهانی.
- ایجاد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ویژه برای کاهش ضربه پذیری.
- افزایش روحیه اتکال به نفس ملی در بین آحاد ملت.
- جلوگیری از ورود به رقابت تسلیحاتی با دشمن.
- ارتقای حس وطن دوستی و عرق ملی.
- برقراری ارتباط موثر و راهبردی منطبق بر منافع مشترک با تمامی کشورهای همسایه و منطقه.
- برقراری ارتباط موثر و راهبردی با کشورهای دشمن و رقیب دشمن اصلی ما؛ نظیر چین و روسیه.
- تبیین سبک زندگی مناسب برای کاهش ضربه پذیری از سوی دشمن.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

آمریکا دیگر نمی‌تواند رویکرد نظامی صرف داشته باشد بلکه بایستی یک رویکرد همه‌جانبه را اختیار نماید؛ به همین دلیل، جنگ از شکل سنتی خود خارج شده است. در نهایت، اگر بخواهیم گسترش ابعاد صحنه‌ی نبرد را بر اساس تحول تفکر تاثیرمحور به نمایش بگذاریم، می‌توان گفت:

▪ از نظر «تاثیرپذیری» (عناصری که در صحنه‌ی نبرد تاثیر می‌پذیرند) در تفکر سنتی، تنها دشمن تاثیر می‌پذیرفت اما در تفکر تاثیرمحوری، افراد خودی و بی‌طرف نیز تاثیر می‌پذیرند.

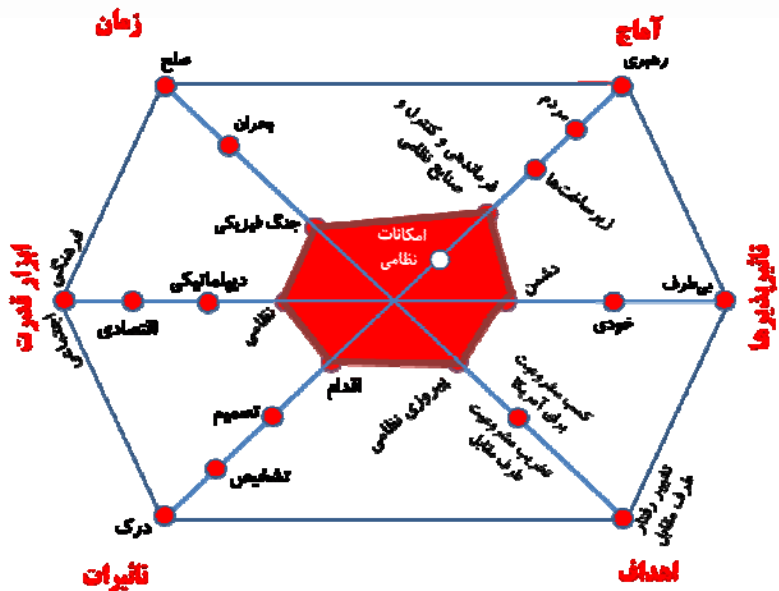
▪ از نظر «آماج» در تفکر سنتی، تنها تجهیزات، توان نظامی و صنایع، هدف قرار می‌گرفت اما در تفکر تاثیرمحور، زیرساخت‌ها و در نهایت رهبری طرف مقابل نیز مورد هدف قرار می‌گیرند.

▪ از نظر «زمان» در تفکر سنتی، تنها زمان لشکرکشی و حملات نظامی مد نظر بود اما در تفکر تاثیرمحور، زمان صلح (قبل از بحران و جنگ و بعد از اتمام جنگ فیزیکی) نیز درگیری (جنگ) از نوع دیگر ادامه دارد.

▪ از نظر «تاثیرات» در تفکر سنتی، تنها به اقدامات نظامی دشمن توجه می‌شد اما در تفکر تاثیرمحور، تصمیم، تشخیص و درک دشمن نیز مورد تاثیر قرار می‌گیرد.

▪ از نظر «ابزار» در تفکر سنتی، تنها ابزار و توان نظامی به کار گرفته می‌شود اما در تفکر تاثیرمحور، تمامی ابزار قدرت ملی همزمان به میدان آورده می‌شود.

▪ از نظر «اهداف» در تفکر سنتی، تنها پیروزی نظامی و شکست نظامی طرف مقابل مد نظر بود اما در تفکر تاثیرمحور، کسب مشروعیت نزد مردم برای خود و از بین بردن مشروعیت طرف مقابل و در نهایت، تغییر رفتار او هدف قرار می‌گیرد (شکل ۳).



شکل ۳- گسترده‌ی صحنه‌ی نبرد در تفکر تأثیرمحور (ناحیه‌ی سفید).

توضیحات: ناحیه‌ی رنگی نشان‌دهنده‌ی محدوده‌ی نبردهای سنتی است.

اکنون آمریکا با «مردم» رو به رو بوده و ناگزیر است در چنین فضایی عمل نماید. آمریکا بایستی در بین مردم برای خود مشروعیت لازم را کسب کند تا محیط امن و با ثباتی را برای خود ایجاد نموده و از جانب آن‌ها تهدیدی برای آمریکا نباشد. آمریکا به این نتیجه رسیده است که «مردم» همانند جنگ‌های قبلی، گروهی نیستند که بین دو ارتش درگیر قرار بگیرند و فقط کشته و زخمی شوند. حضور مردم، محیط را بسیار پیچیده کرده است؛ در چنین محیطی، هر گروهی که بتواند سخن و روایت خود را در افکار عمومی به کرسی بنشاند و اذهان را به سمت خود جلب نماید، فاتح میدان نبرد خواهد بود. در یک کلام باید گفت: شکل جنگ‌ها از حالت «سخت» به سمت «نرم» و از آن مهم‌تر، به سمت «جنگ شناختی» در حال تبدیل است.



به عبارت دیگر، آمریکا با ترکیبی از قدرت سخت و نرم خود به دنبال مدیریت ذهن و شناخت است. ارتباطات، اطلاعات، فضای سایبر و رسانه‌ها، ابزاری هستند که نفوذ به فضای ذهن و شناخت را امکان‌پذیر می‌سازند. اگر نگاه موشکافانه‌تری به این سخن شهید مطهری که «انسان آینده، انسان فرهنگی است» داشته باشیم، اهمیت راهبردی این تغییر شکل جنگ‌های آینده بهتر مشخص می‌شود. تاثیرگذاری بر انسان فرهنگی از طریق شیوه‌های سنتی در میدان نبرد حاصل نمی‌شود.

لذا پیشنهاد می‌شود:

۱- جامعه علمی، دانشگاهی و نخبگی کشور خصوصاً دانشگاه دفاع ملی در خصوص ابعاد اصلی مفاهیم نوین عملیاتی دشمن و تهدیدات متصور آن و همچنین راه کارهای مقابله‌ای، فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی تمرکز نموده تا مفاهیم علمی لازم را تولید کنند. (مفهوم‌سازی)

۲- پژوهشگاه‌ها و مراکز مطالعات راهبردی کشور خصوصاً مراکز وابسته به نیروهای مسلح ج.ا.ا در خصوص حوزه‌های ماموریتی آینده با توجه به تهدیدات آتی، صحنه‌سازی‌های متصور را تبیین و از دل آن راهبردهای اجرایی را استخراج نمایند.

۳- شورای عالی امنیت ملی در خصوص شناسایی تهدیدات امنیتی آینده در همه ابعاد^۱ و لزوم ایجاد ظرفیت‌های لازم امنیتی برای مقابله با آن، کارگروه‌های تخصصی تشکیل داده تا به ابعاد آن پرداخته و سیاست‌های کلان احراز شود.

۴- شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ایجاد ظرفیت‌های فرهنگی لازم در مسیر صیانت جامعه و ملت در مقابله با دکترین‌های نوین تهاجمی دشمن، سیاست‌گذاری مناسب انجام دهد.

۵- شورای هماهنگی جامعه اطلاعاتی کشور در خصوص لزوم نوآوری و تغییر نگرش در صیانت امنیتی کشور کارگروه تخصصی تشکیل داده و به ابعاد موضوع پرداخته که منجر به تغییر رویکرد و فرآیندهای اجرایی شود.

۶- ستاد کل نیروهای مسلح ج.ا.ا در خصوص صحنه‌های نبرد آینده و الگوی سلاح موثر در نبردهای آتی، بررسی‌های تخصصی انجام داده و وظایف هر یک از اعضای جامعه نیروهای مسلح را مشخص نماید.

۷- شورای عالی نظارت بر رسانه ملی در خصوص تغییر رویکرد و سیاست‌های اجرایی این نهاد موثر با توجه به تهدیدات نوین، اقدامات موثری انجام دهد.

کتابنامه

- فولادی، قاسم (۱۳۹۰)، *سیر تحول تاثیرمحور از ۱۹۹۱ تاکنون*، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، مرکز مطالعات دفاعی و امنیت ملی
- مفاهیم عملیات مشترک آمریکا (۲۰۰۳، JOC)*، ترجمه‌ی مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۷
- مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی (۱۳۸۶) *اصول ملی جنگ: هدایت قدرت ملی به سمت پیروزی*، ۳. مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی
- محیط عملیات مشترک ارتش آمریکا (۲۰۰۸، JOE)*، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۸
- محیط عملیاتی مشترک ارتش آمریکا (۲۰۱۰، JOE)*، ترجمه سعید قربانی، موسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی، مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی، ۱۳۸۹
- Harold A. Gould and Franklin C. Spinney, "Fourth Generation Warfare Is Here!"
- Maj Z. Jobbagy, Literature survey on Effects-Based Operations, TNO-report FEL-۰۳-B۱۴۰, ۲۰۰۳
- Gary R. Graves (۲۰۰۶) , "VENEZUELA: AN EFFECTS-BASED STRATEGY FOR THE ۲۱st-CENTURY", U.S Joint forces Staff College/ Joint Advanced Warfighting school
- Warden (۲۰۰۰) , " The Air Campaign", introduction by Maj. Gen. (Ret.) Perry Smith
(Lincoln, NE: toExcel Press)
- Batschelet (۲۰۰۲) , "Effects-Based Operations: A New Model?" (Carlisle Barracks, PA: UnitedStates Army War College (USAWC) ,
- Maj Z. Jobbagy (۲۰۰۳) , "Literature survey on Effects-Based Operations", TNO-report FEL-۰۳-B۱۴۰
- USJFCOM (۲۰۰۵) , "Commander's Handbook on An Effects-Based Approach to Joint Operations," (Norfolk,VA: USJFCOM Joint Warfighting Center (JWFC)

- Henningsen, Dr. Jacqueline (۲۰۰۲) , “A Dialogue on Analyzing Effects Based Operations
Operations
(EBO) ,” Phalanx ۳۵, no. ۱
- Edward A. Smith (۲۰۰۲) , “Effects Based Operations: Applying Network
Centric Warfare in Peace, Crisis, and War” Washington DC: DoD CCRP
Publication Series
- Anthony Cordesman (۲۰۰۳) , 'The Lessons of the Iraq War', Summary
Briefing for the Land Warfare Studies Center - Chief of Army Conference
- Dennis J. Gleeson, Gwen Linde, Kathleen McGrath, Adrienne J. Murphy,
Williamson Murray, Tom O'Leary and Joel B. Resnick (۲۰۰۱) , New
Perspectives on Effects-Based Operations: Annotated Briefing (Alexandria,
VA: Institute for Defense Analyses)
- Paul Adams (۲۰۰۳) , 'Shock and Awe - An Inevitable Victory', in Sara Beck
and Malcolm Downing (eds.) , The Battle for Iraq: BBC News
Correspondents on the War against Saddam and a New World Agenda
CCJO (۲۰۰۹) , "Capstone Concept for joint operations: version۳.۰", United
States Joint Forces Command
- IWJOC (۲۰۰۷) , "Irregular Warfare Joint Operating Concept", US Joint Forces
Command
- MCOJOC (۲۰۰۴) , "Major Combat Operations: Joint Operating Concept", US
Joint Forces Command
- Stability Operations Joint Operating Concept, US Joint Forces Command,
DoD ۲۰۰۴
- Strategic Communication Joint Integrating Concept, US Joint Forces
Command, DoD ۲۰۰۹
- Strategic Deterrence Joint Operating Concept, US Joint Forces Command,
DoD ۲۰۰۴
- Irregular Warfare (IW) Joint Operating Concept, US Joint Forces Command,
DoD ۲۰۰۷
- Command and Control, Joint Operating Concept, US Joint Forces Command,
DoD ۲۰۰۵